



بررسی تأثیر نهاد وقف در ایجاد و گسترش نهادهای آموزشی در دوران فاطمیان مصر (۲۹۷-۵۶۷ق)



سید مصطفی طباطبایی*
مریم سلیمی**

چکیده

ورود مسلمانان به سرزمین‌های شمال آفریقا در قرن اول هجری از یک طرف و از طرفی امواج مهاجرت‌های گسترده‌ی اقوام شرقی و امتزاج آن‌ها با اقوام بومی، ظرفیت‌های این منطقه را توسعه داد و تقویت کرد، به‌گونه‌ای که در قرون نخستین هجری، این منطقه کانون شکل‌گیری قدرت‌های مهمی همچون ادریسیان، اغالبه و فاطمیان شد.

فاطمیان با توجه به این‌که شیعه مذهب بودند و در تقابل با خلافت عباسیان قرار داشتند سعی کردند با گسترش اندیشه‌ی شیعه‌گری خود مشروعیت حکومت خود را توجیه کرده و از طرفی با تبلیغ و تدریس این اندیشه پایه‌های فکری حکومت خود را تثبیت کنند. به همین دلیل فاطمیان توانستند با استفاده از ظرفیت نهاد وقف، نه تنها مراکز آموزشی در دوران خود ایجاد کنند تا به اهداف خود برسند، بلکه ظرفیت این نهاد باعث شد که برخی از این مراکز همچنان فعال بماند و بتواند در راستای تمدن‌زایی اسلام مؤثر باشد.

چگونگی کارکرد نهاد وقف در ایجاد و گسترش این مراکز، سؤال اصلی این پژوهش است که با مطالعه‌ی توصیفی-تحلیلی به بررسی آن خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: اسلام، فاطمیان، مغرب، مصر، وقف، آموزش

*. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان
Smtabatabaey1985@gmail.com
**. کارشناس ارشد الهیات و علوم قرآن و حدیث
m.salimi81@yahoo.co

نهاد وقف در طول تمدن انسانی توانسته است به انحاء مختلف در فرایند تمدن سازی نقش آفرین باشد به گونه‌ای که امروزه مطالعه هر تمدنی، بدون توجه به کارکردهای مختلف این نهاد امری ابتر و ناقص خواهد بود.

نهاد وقف در تمدن اسلامی، نه تنها مورد تأیید دین اسلام قرار گرفت، بلکه با قابلیت‌هایی که این نهاد در تمدن‌های قبلی داشت توانست به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تمدنی در تمدن اسلامی مورد توجه قرار بگیرد تا جایی که امروزه اکثر ابنیه و بناها و فرهنگ‌های تاریخی تمدنی که از دوران تاریخی اسلامی به‌جا مانده، متأثر از این نهاد بوده‌اند تا جایی که می‌توان گفت، پویایی این ابنیه‌ها و فرهنگ‌ها تا امروز، وابسته به این نهاد تمدن ساز است.

سرزمین‌های مغرب اسلامی، بخصوص مصر، زایشگاه تمدن‌های بزرگی بوده‌اند و با ورود اسلام به این سرزمین‌ها، عرصه‌ی تمدنی آن‌ها دوچندان شد و توانست به‌عنوان قسمتی از سرزمین‌های اسلامی، خاستگاه تمدن اسلامی باشد. در این بین یکی از مهم‌ترین حکومت‌هایی که در این سرزمین ایجاد شد و بیش از چهار قرن ادامه داشت و منشأ تمدنی سترگی در این منطقه به شمار می‌رود، حکومت فاطمیان مصر است که از لحاظ مذهبی در تقابل با حکومت خلفای عباسی است و همین امر خود محرکی جهت اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی در این سرزمین است.

خلفای فاطمی که اندیشه‌ی شیعه‌گری را ترویج می‌کردند، برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود از یک‌طرف، و از طرفی برای گسترش اندیشه‌ی شیعه‌گری برای تحکیم مبانی اعتقادی خود، شروع به گسترش مراکز علمی آموزشی کردند و توانستند مراکز علمی مهمی را تأسیس نمایند که مهم‌ترین آن‌ها جامع الأزهر است که همچنان از مراکز علمی مهم جهان اسلام بشمار می‌رود.

در این راستا استفاده از نهاد وقف، جهت ایجاد و گسترش این مراکز مورد توجه خلفا و حاکمان و وزیران فاطمی بوده که کمتر نوشتاری به این مهم پرداخته است. از این‌رو در این مقاله بر آنیم که ظرفیت‌های نهاد وقف در ایجاد و گسترش این مراکز علمی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.



پیشینه پژوهش

در مورد نهادهای آموزشی در دوران فاطمیان، تاکنون تحقیقات ارزشمندی صورت گرفته است. که در بین پایان نامه‌ها، مهم‌ترین آن‌ها پایان‌نامه‌ی مقطع ارشد خانم نرگس ملک با عنوان «بررسی ساختار و کارکرد سازمان آموزشی فاطمیان در مصر» می‌باشد که بیشتر کارکرد نهادهای آموزشی فاطمیان در مصر را مورد بررسی قرار داده است. علاوه بر این پژوهش ارزشمند، مقالاتی همچون، «اهداف، وظایف و کارکرد آموزشی مراکز علمی فاطمیان»، نوشته‌ی آقایان، فرمانیان و بهرامی، «پژوهشی درباره دارالعلم در القاهره»، نوشته‌ی محمدعلی چلونگر، «سیاست‌های علمی و فرهنگی فاطمیان در مصر»، نوشته سرکار خانم فاطمه جان احمدی و صفورا سالاربه، «تبیین و تحلیل دستاوردهای تقویت نظام آموزشی داخلی فاطمیان مصر»، نوشته‌ی آقایان محمدعلی چلونگر و فریدون الهیاری و خانم راضیه انصاری، در این موضوع به رشته‌ی تحریر درآمده است و هرچند هرکدام در موضوع آموزش در دوران فاطمیان مصر تحقیقات ارزشمندی به شمار می‌رود ولی در هیچ‌کدام از این تألیفات به کارکرد نهاد وقف در تأسیس و گسترش این مراکز پرداخته نشده و به همین دلیل این مقاله از این حیث دارای نوآوری است و پژوهشی تازه به شمار می‌رود.

نهاد وقف

وقف خود به معنای ایستادن، ماندن و آرام گرفتن است. (ابن منظور، ۱۳۰۰: ۳۹۵) و در اصطلاح فقهی، عقدی است که نتیجه آن حبس کردن اصل و رها کردن ثمره آن است. (نوری، ۱۴۰۸: ۴۸) در واقع وقف، حبس کردن چیزی از طرف مالکش است که فروش آن ممنوع باشد، به ارث و هبه داده نشود و صرف و جهت آن به روشی باشد که وقف دستور داده است. (مغنیه، ۱۴۰۲: ۵۸۵)

نهاد وقف یکی از آموزه‌های تمدنی است که دین مبین اسلام نیز آن را تأیید و بر آن تأکید کرده است به‌گونه‌ای که این نهاد تأثیر بسیار مهمی در ساخت و ایجاد تمدن اسلامی داشته است. کارکردهای بسیار متنوع و گوناگون وقف باعث شده که در اکثر مظاهر تمدنی اسلام همچون تألیف و چاپ کتاب، ساخت مدرسه، مسجد، حمام، بازار، کاروانسرا و بیمارستان و غیره، نقش بسزایی ایفا کند و باعث ماندگاری این آثار باشد.

۱- گونه‌شناسی کارکرد نهاد وقف در تمدن اسلامی

۱-۱ نقش وقف در تأمین اجتماعی

وقف صدقه‌ای جاری و درآمدی همیشگی برای تأمین نیاز نیازمندان، فقرا، در راه ماندگان و بردگان محسوب می‌شود. هرچه درآمدهای وقفی در جامعه‌ای بیشتر باشد میزان فقرا و بیچارگان آن جامعه کاسته خواهد شد. (منتظرالقائم و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۸) پیشینه این‌گونه موقوفات در سیره پیامبر و اهل بیت و برخی از خلفا و صحابه قابل مشاهده است به‌گونه‌ای که چاه‌هایی که حضرت علی علیه السلام، در نخلستان‌ها احداث می‌کرد را وقف نیازمندان و یتیمان قرار می‌داد. (حموی، ۱۹۹۵، ج ۴: ۱۷۶).

۲-۱ نقش وقف در تألیف قلوب

کارکرد دیگر وقف، در تألیف قلوب شهروندان جامعه اسلامی بشمار می‌رود. به‌گونه‌ای که در بیشتر این موقوفات، استفاده از آن مربوط به آحاد جامعه است و پیروان دیگر ادیان نیز می‌توانند از موقوفات همچون مسلمانان بهره‌برند. چنانچه مطالعات بر روی موقوفات در تمدن اسلامی نشان می‌دهد موقوفات خدمات درمانی و برخی از موقوفات علمی آموزشی دارای چنین ویژگی هستند.

۳-۱ نقش وقف در تأمین بهداشت و درمان

یکی از مهم‌ترین کارکردهای نهاد وقف در تمدن اسلامی، وقف برای ایجاد مراکز درمانی و آموزشی است. این نوع موقوفات که سبب آن به قرون نخستین اسلامی می‌رسد، یکی از محرک‌های اصلی تمدن اسلامی در رشد و توسعه‌ی علوم و رفاه اجتماعی است. از آن جا که دین اسلام اهمیت ویژه‌ای برای سلامت قائل است و از طرفی یادگیری طب و درمان مورد توجه آئین اسلامی بوده است، ایجاد مراکز درمانی با نام «مارستان»، در اقصی نقاط سرزمین‌های اسلامی صورت پذیرفته است. مهم‌ترین این مراکز در بغداد، ایران، مصر قرار داشته و موقوفات فراوانی جهت گسترش علوم و همچنین درمان رایگان مردم در این مراکز ایجاد شده است. امروزه یکی از مهم‌ترین جلوه‌گاه‌های وقف در تمدن اسلامی را می‌توان در گستره‌ی بیمارستان‌ها مشاهده کرد، بیمارستان‌های مجهزی همچون بیمارستان فسطاط، بیمارستان نمازی شیراز، بیمارستان امیرالمؤمنین اصفهان و... از جمله این‌گونه مراکز خدمات درمانی به شمار می‌روند. (برای اطلاع بیشتر، ر.ک: طباطبایی،

(۱۳۹۱: ۲۴-۵۹)



۴-۱ نقش وقف در گسترش علوم

دین مبین اسلام اهمیت ویژه‌ای برای علم و علم‌آموزی قائل است. در قرآن کریم نیز آیات فراوانی به اهمیت علم و علم‌آموزی پرداخته است. در این بین پیامبر اکرم نیز در جای‌جای سخنان و رفتارشان سعی بر آن داشتند تا جایگاه علم و علم‌آموزی در دین اسلام را تبیین نمایند تا جایی که فدیة آزادی اسرای جنگ بدر را آموزش خواندن نوشتن ایشان به ده نفر از مسلمانان قرار داد.

به همین دلیل در طول تاریخ تمدن اسلامی، مراکزی جهت علم و علم‌آموزشی ایجاد شد که هرکدام به‌نوبه‌ی خود سهم مهمی در ارتقای این تمدن در طول تاریخ داشته است. بانیان این مراکز نیز با استفاده از ظرفیت نهاد وقف، توانستند پویایی این نهادها را در طول تاریخ حفظ نمایند به‌گونه‌ای که امروزه برخی از این مراکز از قرون نخستین اسلامی همچنان به نقش‌آفرینی خود ادامه می‌دهد.

۲- مراکز آموزشی در تمدن اسلامی

۱-۲ مسجد

مسجد اولین کانون تجمع سیاسی-عبادی-آموزشی در تمدن اسلامی به شمار می‌رود؛ چراکه به‌جز مجالس وعظ و خطابه و اجتماعات سیاسی، اولین مرکز تجمع مردم جهت آموزش بوده است، به‌گونه‌ای که مردم در ابتدا برای یادگیری احکام اسلامی نزد خود پیامبر و پس از ایشان نزد صحابه و دیگران، در مسجد تجمع می‌کردند. به همین منظور مسجد را می‌توان اولین مرکز علم‌آموزی در تمدن اسلامی به شمار آورد و قدمت این مکان با آغاز شکل‌گیری اسلام هم‌زمان است. همچنین باید گفت علاوه بر مسجد الحرام، که در دوران بعثت مورد توجه پیامبر بود، مسجد مدینه، هم در زمان خود ایشان پایگاه علم و دانش قرار گرفت و هم در دوره‌های بعدی رونق خود را حفظ نمود، چنانچه امام صادق علیه السلام، در همین مسجد جلسه‌ی آموزش به بیش از چهار هزار نفر را تشکیل می‌داد.

علاوه بر کارکرد آموزشی محیط داخلی مساجد، برای بهره‌گیری طالبان علم، عموماً در جوار مساجد، کتابخانه‌هایی نیز دائر گردید؛ به‌گونه‌ای که مساجد جامع شهرهای مهم اسلامی همچون مسجد جامع بصره، مسجد جامع فسطاط، مسجد جامع کبیر قیروان، مسجد جامع الأزهر مصر و مسجد جامع اصفهان کتابخانه‌های بزرگی داشتند. (منور، بی تا: ۱۱۴-۱۳۸).

۲-۲ بیت الحکمه

پس از مساجد اسلامی، که علاوه بر کارکردهای مختلف، کارکرد آموزشی نیز داشت، می‌توان بیت الحکمه را اولین مرکز علمی آموزشی مستقل در تمدن اسلامی دانست که در قرن سوم هجری در دوران خلفای عباسیان پایه‌گذاری شد. این مرکز هرچند بیشتر برای ترجمه‌ی متون به زبان عربی ایجاد شده بود، ولی کارکردهای علمی آموزشی آن در تمدن اسلامی به‌شدت تأثیرگذار بود تا جایی که هارون الرشید و مأمون عباسی، علما و دانشمندان مختلفی را از جای‌جای سرزمین‌های اسلامی برای تحقیق و ترجمه و آموزش به این مکان دعوت می‌کردند. (عواد، ۱۹۸۶: ۱۰۶).

۳-۲ دارالعلم

تأسیس مراکزی به نام دارالعلم از جمله گام‌های مؤثری بود که به دنبال ایجاد کتابخانه‌ها و بیت الحکمه‌ها برداشته شد. پایه‌های فکری این مراکز در ابتدا مبتنی بر کتابخانه‌هایی بود که برخی از سخنرانی‌ها و کنفرانس‌های علمی و ادبی در آن‌ها تشکیل می‌گردید. نام این مراکز از دارالعلم اسکندریه، که به وسیله‌ی بطلمیوس در آن شهر پدید آمد، اقتباس شده است. اساس فکری دارالعلم اسکندریه ایجاد کتابخانه‌ای با داشتن جایگاهی مخصوص بحث و درس بود. دارالعلم‌های اسلامی نیز به همین منوال شکل گرفت. (غنیمه، ۱۳۷۲: ۹۰)

۴-۲ بیمارستان

مارستان، یا بیمارستان، از جمله مراکز علمی آموزشی بود که به‌شدت موردنیاز و همچنین مورد توجه مسلمانان قرار گرفت. مسلمانان به دلیل این‌که از ابتدای تشکیل حکومت در مدینه مورد تهاجم قرار می‌گرفتند و بالطبع نیاز به مکانی برای درمان مجروحان جنگ‌ها داشتند، اهتمام ویژه‌ای به علم طبابت و ایجاد مراکزی برای درمان بیماران داشتند. به نوشته‌ی ابن هشام، اولین مرکز درمانی که در تمدن اسلامی احداث گردید، چادری بود که به دستور پیامبر اسلام در مسجدالنبی احداث گردید و مجروحان جنگ خندق توسط زنی به نام رفیده انصاری درمان می‌شدند. (ابن هشام، ۱۹۵۵، ج ۳: ۲۳۹)

با ورود اسلام به ایران و آغاز نهضت ترجمه و ورود ایرانیان به دستگاه خلافت عباسی، روند ساخت بیمارستان‌ها و بهره‌گیری از اطبای ایرانی، به‌شدت مورد توجه خلفای عباسی قرار گرفت. ایجاد بیمارستان‌های بزرگی همچون بیمارستان عضد الدوله دیلمی در بغداد و شیراز و اصفهان و بیمارستان‌های مجهز دیگر در مصر و شام و آموزش اطبا و درمان بیماران و اختصاص موقوفات عظیم به این امر، از جمله دستاوردهای بزرگ تمدن اسلامی به شمار می‌رود.



۳- علل توجه فاطمیان به علم‌آموزی

۱-۳ آموزه‌های دینی مذهبی

حکومت فاطمیان با توجه به این‌که خود را جانشینان به‌حق حضرت محمد (ص) می‌دانستند، سعی بر آن داشتند که آموزه‌های دینی، از جمله علم‌آموزی و گسترش فضای علمی را سرلوحه‌ی خود قرار دهند و بدین‌سان، خود را تالی پیامبر و اهل بیت معرفی نمایند. در واقع فاطمیان نیز همچون پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، تکریم علم و عالم را جزء معارف دینی اسلامی می‌دانستند و سعی بر آن داشتند که با ایجاد و گسترش مراکز علمی، خود را پیرو راستین قرآن کریم، پیامبر اسلام و اهل بیت معرفی نمایند.

۲-۳ گسترش مذهب تشیع

خلافت شیعه مذهب فاطمیان مصر، که در تقابل با خلافت سنی مذهب عباسیان تشکیل شده بود، از نظر مبانی فکری حکومتی، بسیار نیازمند مشروعیت طلبی بود. خلفای فاطمی در همین راستا سعی بر آن داشتند تا با تأسیس مراکز علمی و ترویج علوم و به‌خصوص معارف اهل بیت علیهم‌السلام، از یک‌طرف، در راستای تقابل علمی با خلافت عباسی گام بردارند و از طرفی مذهب شیعه را به‌عنوان مذهب راستین اسلامی در جهان اسلام معرفی کنند تا از این طریق، هم مبانی فکری-اعتقادی خلافت خود را در بین مسلمانان تحکیم نمایند و هم بتوانند برای آینده‌ی خلافت خود، نسل‌هایی باایمان و معتقد به تشیع تربیت کنند. از این روست که در این دوران شاهد بروز و حضور مراکز علمی گسترده و ترویج تبلیغ علوم مختلف به‌خصوص علوم دینی و مذهبی شیعه هستیم تا جایی که مصر و قاهره در دوران فاطمیان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی جهان اسلام به شمار می‌رود.

۴- مراکز علمی خلافت فاطمیان

۱-۴ مسجد جامع الأزهر

همان‌طور که بیان شد مساجد، اولین و مهم‌ترین مراکز علمی در تمدن اسلامی، به شمار می‌روند. در این بین مساجد جامع شهرها از اهمیت دوچندان برخوردار هستند؛ زیرا افزون بر مراکز عبادی، جزء مراکز سیاسی-حکومتی و همچنین مراکز علمی آن شهر نیز به شمار می‌روند.

بنیان‌گذار جامع‌الازهر، جوهر کاتب صِقْلَى (سیسیلی)، سردار نیرومند المعزالدین الله (حک ۳۴۱-۳۶۵ق/ ۹۵۲-۹۷۶م)، چهارمین خلیفه فاطمی است که در پی فتح مصر چون شهر قاهره

(القاهرة المعزیه) را به فرمان او ساخت، مسجد الازهر را نیز در جنوب شرقی و سوی قبله قصر خلیفه در میانه محله ترک و دیلم بنا نهاد. بنای الازهر در ۲۴ جمادی الاول ۳۵۹ق/ ۴ آوریل ۹۷۰م آغاز شد و در ۷ رمضان ۳۶۱ق/ ۲۲ ژوئن ۹۷۲م پایان یافت و در همان رمضان، نخستین نماز جمعه در آن اقامه شد. گفته شده که سبب اشتها این جامع بزرگ به الازهر، انتساب آن به دخت رسول خدا، «فاطمة الزهراء علیها السلام» یا محاط بودن به کاخ‌های باشکوه خلافت (القصور الزاهره)، یا درخشندگی آن در میان دیگر جامع‌های مصر بوده است. (کسای، ۱۳۸۷: ذیل الأزهر؛ واج، ۱۹۶۳، ج ۲: ۳۲)

الازهر در دوره فاطمیان، نقش مهم و قاطعی در انتشار و گسترش عقاید فاطمیان مصر داشت به‌گونه‌ای که بسیاری از داعیان فاطمی، پیش از آن‌که به مأموریت فرستاده شوند، در الازهر تعلیمات عالی می‌دیدند. همچنین تعداد زیادی از علمای اسماعیلی و طلاب در مجالس بحث و درس الازهر شرکت می‌کردند. (چلونگر، ۱۳۹۰: ۱۶۸).

الازهر در دوره‌ی العزیز در سال ۳۷۸ه.ق به اوج اعتلای خود در دوران فاطمیان رسید. یعقوب بن کلس، وزیر العزیز در این سال به فرمان خلیفه‌ی فاطمی، برنامه‌ی آموزشی کاملی برای الازهر تنظیم کرد تا جایی که این مرکز را به صورت اولین دانشگاه جهان اسلام تبدیل نمود. (دفتری، ۱۳۷۵: ۲۰۲).

از عصر فاطمیان تا اوایل سده‌ی ۱۴ق/ ۲۰م که اداره‌ی موقوفات مصر بر موقوفات الازهر دست یافت، الازهر با موقوفات دولتی و خصوصی و صدقات نقدی و جنسی اداره می‌شد. (کسای، ۱۳۸۷: ذیل الأزهر). فاطمیان به دانشجویان و علمای الازهر از جهت مسائل رفاهی توجه خاصی داشتند، تحصیل و دریافت حقوق علما در محل الازهر در سال ۳۷۸ه.ق. صورت گرفت. مقریزی بیان می‌کند، العزیز برای همه‌ی فقه‌های حاضر در کلاس‌ها، مقرری تعیین کرده بود و ماهیانه مبلغی به‌اندازه‌ی نیاز به ایشان پرداخت می‌کرد و همچنین دستور داده بود که حجره‌هایی برای سکونت طلاب در کنار الازهر ایجاد گردد. (مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۳۲۰). از دیگر فعالیت‌های الازهر که هزینه‌ی آن از محل موقوفات پرداخت می‌شد، برپا داشتن مجالس سوگواری عاشورای حسینی علیه السلام، چراغانی و قرآن‌خوانی نیمه‌ی رجب و نیمه‌ی شعبان و جز این‌ها بود. (کسای، ۱۳۸۷: ذیل الأزهر).

الازهر و موقوفات آن صرفاً مختص به شیعیان نبود و فاطمیان توانستند با ایجاد تسامح مذهبی و آزادی عقاید، علوم مختلف را گسترش دهند؛ به‌گونه‌ای که در دوران الحاکم، در ساخت رواق‌های مسجد که مورد استفاده‌ی طلاب بود، رواق‌های مختلفی ویژه‌ی مذاهب



مختلف ایجاد گردید. رواق صعایده برای طلاب فقه مالکی، رواق حنفیه، رواق حنبله، رواق حرمین برای مردم مکه و مدینه، رواق جاوه برای طلاب هند شرقی، رواق سلیمانیه برای مردم افغانستان و خراسان، رواق مغاربه برای مردم شمال آفریقا و... همگی بیانگر گستره‌ی علمی فرهنگی الأزهر است. (رشاد، ۱۳۷۳، ج ۳: ۲۰۰).

علاوه بر جامع الأزهر، مساجد جامع دیگری نیز در خلافت فاطمیان تأسیس گردید که آن‌ها نیز همچون الأزهر، علاوه بر مراسمات عبادی و سیاسی، پایگاه‌های علمی نیز به شمار می‌رفتند. از جمله‌ی این مساجد می‌توان به جامع الظافر، (مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۸۴)، جامع اقمیر، (ابن خلکان، بی تا، ج ۲: ۵۱۷)، جامع عتیق، (سیوطی، بی تا، ج ۲: ۲۵۳)، جامع الحاکم و جامع طرطوشی (مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۹۲) اشاره کرد. الگوی این جامع‌ها مانند الأزهر بود و می‌توان چنین بیان کرد که اداره‌ی این مراکز نیز از طریق موقوفات انجام می‌شده است.

۲-۴ دارالعلم

در تعریف دارالعلم گفته شده است: «عنوان برخی از کتابخانه‌های عمومی وقفی که عمدتاً در بین سده‌های سوم تا پنجم در جهان اسلام پا گرفتند» (پنجه، ۱۳۸۹: ج ۱۶: ۷۱۲) وظیفه‌ی اصلی دارالعلم، پژوهش بود اما در مواردی نیز به فعالیت‌های آموزشی می‌پرداخت (غنیمه، ۱۳۷۲: ۸۵). ابوالقاسم جعفر موصلی (۲۴۰-۳۲۳)، فقیه شافعی، بانی قدیم‌ترین دارالعلم است که آن را در موصل ساخت و خود در آن جا به شعرخوانی و تدریس فقه و املا‌ی برخی علوم پرداخت. (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ج ۷: ۱۹۷). مشهورترین دارالعلم با فعالیت‌های آموزشی چشمگیر، دارالعلم الحاکم (۳۸۶-۴۱۱)، خلیفه‌ی فاطمی است که در آن علاوه بر فقه مذاهب، گاه نجوم و پزشکی نیز تدریس می‌شد. پس از مدتی کوتاه، الحاکم، این دارالعلم را مختص تدریس معارف و عقاید اسماعیلی گردانید. (مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۴۵۸). احتمالاً سرمشق و الگوی خلیفه‌ی فاطمی در احداث این مرکز، دارالعلم کرخ بغداد بوده است که از طریق داعیان فاطمی همچون حمید الدین کرمانی، اطلاعات دقیقی از نحوه‌ی ساخت و اداره و عملکرد آن‌ها به دست آورده بود. (چلونگر، ۱۳۹۱: ۱۷۰).

الحاکم نهایت تلاش خود را در بنای دارالعلم به کار برد. دارالعلم مؤسسه‌ای بود که در آن عمارتی مخصوص با لوازم و اثاث آذین شده قرار داشت. در این عمارت کتابخانه‌ای بسیار بزرگ برپا گردید که کتاب‌های آن را مجموعه کتب شخصی خلیفه، که به عنوان یکی از بهترین مجموعه کتاب‌های جهان محسوب می‌شد و از قصر به آن جا منتقل شده بود، تشکیل می‌داد (چلونگر، ۱۳۹۱: ۱۷۱). از آن جا که مقریزی اساس تشکیل و اداره‌ی دارالعلم

الحاکم را برگرفته از بیت الحکمه ی مأمون می‌داند می‌توان بیان داشت، که موقوفات متعددی نیز برای اداره‌ی آن از طرف الحاکم و دیگر خلفای فاطمی ایجاد شده باشد، چرا که مقریزی در مورد استفاده‌ی مردم از این مکان بیان می‌کند: «مردم می‌توانستند بدون هیچ تمایزی از نظر مقام و مرتبه از این کتابخانه استفاده کنند و هر کس می‌خواست از کتابی که باب طبع خود می‌یافت استنساخ کند، وسایل کار از قبیل کاغذ، مرکب و قلم در آنجا آماده بود. برای مدرسان و استادان دارالعلم از خزانه‌ی حکومتی مستمری ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شد همچنین کارمندانی هم که برای این مؤسسه منصوب می‌شدند، از گماشتگان و مستخدمانی بودند که حقوق دریافت می‌کردند. (مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۴۵۹).

از مهم‌ترین دستاوردهای دارالعلم الحاکم، تهیه‌ی یک زیچ نجومی درباره‌ی ستارگان و سیارات با داده‌های تطبیقی بود. این زیچ جایگزین زیچ ممتحن گردید که منجمان دربار مأمون، خلیفه‌ی عباسی، در رصدخانه‌ی بغداد و دمشق تألیف کرده بودند. در این مؤسسه معمولاً یک شخصیت برجسته‌ی اسماعیلی قرار داشت. الحاکم، داعی الدعوات، عبدالعزیز محمد بن نعمان را که از رهبران بلامنازع اسماعیلیه محسوب می‌شد، در رأس این مؤسسه قرار داد. این مؤسسه به‌منظور آماده کردن طبقات روشنفکری برای پذیرش عقاید اسماعیلیه از رهگذر تحصیل فلسفه‌ی یونانی، به طوری که نام دارالحکمه گویای این مطلب است، دایر شده بود. (یوسف العش، ۱۳۷۲: ۱۱۲).

با وجود این‌که دارالعلم، مؤسسه‌ای جهت تبلیغات اسماعیلی بود، آزادی بحث و مجادله در آن وجود داشت. مدرسان مؤسسه، صرفاً از اسماعیلیان نبودند و شماری از فقهای سنی نیز مجاز بودند در دارالعلم تدریس کنند. دارالعلم به جز چند ده سال تا پایان دوران فاطمیان، به عنوان کانون اسماعیلیه به حیات خود ادامه داد و با سقوط فاطمیان در سال ۵۶۷ ه.ق. دیگر از این مؤسسه سخن به میان نیامد. (چلونگر، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

هر چند با آغاز به کار دارالعلم الحاکم فاطمی، سنت دارالعلم سازی از بغداد و شرق خلافت اسلامی به سرزمین‌های مغرب راه یافت و خاندان‌های شیعی دیگری همچون بنو عمار در طرابلس با ایجاد دارالعلم سعی در گسترش مبانی علمی اعتقادی تشیع داشتند، ولی آنچه بیشتر مورد اذعان پژوهشگران قرار گرفته این موضوع است که دارالعلم‌ها در حکومت‌های شیعی همچون فاطمیان مصر و آل‌بویه در ایران و عراق، بیشتر مورد توجه بوده و گستره‌ی فعالیت زیادی داشته‌اند و با افول این حکومت‌های شیعی مذهب، فعالیت‌های دارالعلم‌ها نیز رو به افول وانحطاط گرایید.



۳-۴ کتابخانه‌ها

سومین مرکز علمی که در دوران خلافت فاطمیان در مصر تأسیس شد، کتابخانه‌ها و به‌خصوص کتابخانه‌های سلطنتی بود. به نظر می‌رسد این کتابخانه‌ها که توسط خلفا و وزیران ایجاد می‌گشت، به دو گونه به موضوع وقف مرتبط باشد. یکی این‌که خلفا و وزیران سعی بر آن داشتند که برای تجهیز این کتابخانه‌ها، نسخه‌های موجود از کتاب‌های علمی در جهان را تهیه کرده و وقف این کتابخانه‌ها نمایند. به‌گونه‌ای که مقریزی در مورد کتابخانه الحاکم فاطمی می‌نویسد: «کتابخانه‌ای که الحاکم فاطمی تأسیس کرد، در عصر خود بزرگ‌ترین کتابخانه دنیای اسلام بود و یکی از عجایب جهان به شمار می‌رفت که در دربار هیچ پادشاهی وجود نداشت. (مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۳۷۹). در واقع خلفای فاطمی برآن بودند تا اکثر نسخ کتاب‌های موجود علمی در جهان اسلام را برای استفاده طلاب و دانشمندان در این کتابخانه‌ها تأمین نمایند که از طرفی بتوانند از لحاظ علمی با خلافت عباسیان مقابله کنند و از طرفی نیز این مکان‌ها را به محل رفت و آمد اندیشمندان و طلاب از فرق مختلف اسلامی تبدیل نمایند. به همین منظور در برخی از مواقع خلفا و وزرا سعی برآن داشتند که همه کتاب‌های موجود در یک رشته‌ی علمی خاص را به این کتابخانه‌ها بیاورند و از این طریق برای حکومت خود، انحصار علمی ایجاد کنند. (جرجی زیدان، ۱۹۲۶، ج ۳: ۲۰۸)

نوع دیگر ارتباط این کتابخانه‌ها با نهاد وقف، تأمین هزینه‌ی طلاب و مراجعین به این مکان‌ها بود. مقریزی که اطلاعات خوبی از دوران علمی فاطمیان بیان می‌دارد، در ارتباط با این موضوع می‌نویسد «... در این کتابخانه‌ها علاوه بر فراهم آوردن منابع و کتب فراوان و بی‌نظیر در علوم مختلف، دیگر امکانات آموزشی از قبیل قلم و کاغذ و مرکب و دوات برای مراجعه‌کنندگان فراهم بود» (مقریزی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۳۷۹).

علاوه بر خلفای فاطمی، وزیران نیز سعی داشتند در این امر به خلفا تاسی کرده و خود نیز مروج علوم گردند. به‌گونه‌ای که در شرح حال یعقوب بن کلس، وزیر فاطمی آمده که او نیز کتابخانه‌ای بزرگ و غنی از کتب مختلف در انواع علوم ایجاد کرده بود و امکانات رفاهی همچون محل استراحت برای افراد غریب و مسجد و امام جماعت برای برگزاری نمازهای یومیه در آن مکان قرار داده بود. وی حتی برای مراجعان آشپزخانه، آشپزخانه‌ای جدا فراهم آورده بود. (ابن خلکان، بی تا، ج ۷: ۲۹).

افضل بن بدرالجمالی نیز علاوه بر گردآوری کتاب و ایجاد کتابخانه‌ای ۵۰۰ هزار جلدی، از خروج کتاب از پایتخت فاطمیان جلوگیری می‌کرد، به‌طوری‌که به نوشته‌ی ابن ابی اصیبعه،

چون متوجه شد ابراهیم بن زلفان، از پزشکان معروف مصر، قصد فروش ده هزار جلد کتاب به شخصی از اهالی عراق دارد، او را از این کار منع کرد و خودش کتابها را خرید و در کتابخانه‌ی خود جهت استفاده‌ی عمومی طلاب قرار داد. (ابن ابی اصیبعه، ۲۰۰۱، ج ۳: ۴۲۱-۴۲۲).

۵ دستاوردهای علمی فاطمیان

بدون تردید فاطمیان یکی از ادوار مستقل تمدن انسانی را در مصر رقم زدند. از جمله جامع الازهر که سلطه‌ی آموزشی آن هزار سال دوام داشت. ابعاد فرهنگ و تمدن اسلامی در عصر فاطمیان در افریقه، حاکی از شروعی تازه در مبحث تمدن سازی است. فاطمیان مراکز عبادی و آموزشی متعددی تأسیس نمودند که از جمله مهم‌ترین آنها، دارالعلم الحاکم به شمار می‌رود.

ورود و ظهور دانشمندان بزرگی در این مراکز علمی باعث شد که علوم مختلف، در این دوره، به توسعه‌ای چشم‌گیر دست یابد. در واقع این عصر دوره‌ی توسعه و ابتکار در علم حسبه، پزشکی، علوم پایه، معماری و شهرسازی، فلسفه، الهیات، فقه، ادبیات، علوم قران، نیروی دریایی، شیمی، فیزیک و تغذیه و فرهنگ و هنر، جشن و نمایش و تشریفات و توسعه‌ی مراسم تشیع از جمله غدیر و عاشورا است.

در دوره‌ی اول خلافت فاطمیان، دانشمندان تراز اول جهان، در این مراکز علمی رشد و نمو یافتند و توانستند خدمات شایانی در علوم مختلف داشته باشند؛ برای مثال، ابن یونس که از بزرگ‌ترین منجمان دوره‌ی فاطمیان بود، تألیفات مختلفی در این باره دارد. او زیج الحاکم را به نام خلیفه‌ی فاطمی تدوین کرد و اشتباهات متداول آن را اصلاح نمود. ابن یونس همچنین اولین کسی است که فرمولی در مثلثات کروی ساخت که پیش از کشف لگاریتم مورد استفاده‌ی ریاضی‌دانان بود. ابن یونس علاوه بر نجوم و ریاضی، در علم فیزیک نیز سرآمد بود و کتاب المناظر را در باب فیزیک تألیف کرد که تا چندین قرن مورد استفاده‌ی دانشمندان قرار می‌گرفت.

دیگر اخترشناس معروف دربار فاطمیان، ابن هیثم است که توانست بیماری‌های مختلف چشمی را درمان کند و اولین کسی است که فرایند دیدن را به صورتی دقیق تشریح کرده است.

از دیگر دانشمندانی که در مراکز علمی مصر و در دوران فاطمیان، کرسی تدریس داشتند، عمار بن علی موصلی را می‌توان نام برد که بعد از سیر در مراکز مختلف علمی، دوره‌ای را در مصر رحل اقامت گزید و در آنجا در باب علم چشم‌پزشکی تدریس و تحقیق نمود و تألیفاتی داشت. کتاب معروف «المنتخب فی علاج العین» از ایشان است.



نتیجه‌گیری

مراکز علمی تمدن اسلامی، در قرون اولیه‌ی اسلام، آغازگر و سرمنشأ تحولات گسترده‌ای در علم‌آموزی شدند. این مراکز که در دوران خلافت عباسیان، در مرکز خلافت و پس از آن در شرق سرزمین‌های اسلامی تأسیس گردید، توانست گام بلندی در توسعه‌ی علوم مختلف در تمدن اسلامی داشته باشد. خلفای عباسی و وزیران ایرانی دستگاه عباسی، در این امر پیشقدم بودند و توانستند سهم قابل توجهی در این‌باره داشته باشند.

در مغرب سرزمین‌های اسلامی و به‌خصوص در مصر، همزمان با دوران خلافت فاطمیان و به تأسی از خلافت عباسی، مراکز علمی همچون جامع الأزهر، دارالعلم الحاکم و کتابخانه‌های سلطنتی ایجاد گردید.

این‌گونه مراکز با توجه به اهمیت علمی، سیاسی و مذهبی آن‌ها، مورد توجه خاص خلفا و وزیران خلافت فاطمی قرار داشت و به همین دلیل در نگهداری و توسعه‌ی علمی این مراکز، از هیچ کوششی فروگذاری نکردند و در راستای اداره‌ی این مراکز نه تنها از خزائن حکومتی استفاده می‌کردند، بلکه موقوفات زیادی را برای ایجاد این مراکز و نگهداری و توسعه‌ی آن به وجود آوردند. متأسفانه به دلیل قلت منابع، از چگونگی این موقوفات و جزئیات آن‌ها اطلاع خاصی در دست نیست؛ فقط در منابع تأکید بر آن است که اکثر هزینه‌های این مراکز از محل موقوفات بوده است. آن چه در این بین مورد توجه است آن است که اگر نهاد وقف و پشتوانه‌های مالی این نهاد نبود، این مراکز نمی‌توانستند سالیان متمادی پایدار باشند و منشأ گسترش علمی بسیاری از علوم گردند.

حضور اندیشمندان و طلاب مختلف در این مراکز از طرفی و از طرف دیگر، ایجاد امکانات رفاهی و علمی برای ایشان و به دست آوردن دستاوردهای بزرگ علمی همچون تألیف کتب برجسته و کم نظیر در علوم مختلف، خود بیانگر و گویای نقش نهاد وقف در توسعه‌ی مراکز آموزشی در تمدن اسلامی است.

کتابنامه

- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۳۰۰). *لسان العرب*، بيروت: دار صادر.
- ابن هشام، (۱۹۵۵)، *السیره النبویه*، تصحيح مصطفى سقا، ابراهيم انبارى و عبدالحفيظ شبلى، القاها: دارالعلم.
- چلونگر، محمد علی، (۱۳۹۰)، *تاریخ فاطمیان و حمدانیان*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین (سمت).
- طباطبایی، سید مصطفی، (۱۳۹۱)، *بررسی روند وقف در بیمارستان های اسلامی در اصفهان*، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه تاریخ. اصفهان: دانشگاه اصفهن. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- عواد، کورکیس (۱۹۷۶)، *خزائن الکتب القدیمة فی العراق*، بیروت: دار صادر.
- غنیمف، عبدالرحیم، (۱۳۷۲)، *تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله کسائی، تهران: دانشگاه تهران.
- مغنیه، محمد جواد، (۱۴۰۲)، *القیه عل مذهب الخمسه*، بیروت: بی نا.
- منتظر القائم، اصغر و دیگران (۱۳۹۱)، «نظام وقف در بیمارستان های دوره اسلامی از ابتدا تا آغاز عثمانی»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، سال سیزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱.
- منور، جمال رشید، (بی تا)، *مدارس قدیم اسلامی*، لاهور: مجلس ترقی ادب.
- نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸)، *مستزک الوسائل*، قم: مؤسسه آل بیت لأحیاء التراث.
- یاقوت حموی، (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر.
- جان احمد، فاطمه و صفورا سالاریه، (۱۳۹۱)، «سیاست علمی فاطمیان در مصر»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، سال سیزدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱.
- پنجه، معصوم علی، (۱۳۸۹)، «دارالعلم»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۶، تهران: مرکز دانشنامه جهان اسلام.
- کسائی، نوراله و دیگران، (۱۳۸۷)، «الأزهر»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۳، تهران: مرکز دانشنامه جهان اسلام.
- مقریزی، تقی الدین ابوالعباس احمد، (۱۴۱۶)، *الخطط*، بیروت: دار صادر
- یوسف العیش، (۱۳۷۲)، *کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی*، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رشاد، محمد (۱۳۷۳)، *جنگ های صلیبی*، تهران: نشر اندیشه.